

## بررسی تطبیقی جلوه‌های پایداری در اشعار شاملو و درویش

دکتر پرویز احمدزاده هوج\*

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

دکتر محمد پاشایی

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

رسول کاظمزاده\*\*

### چکیده

این مقاله در پی پاسخ‌دادن به این سؤال است که عوامل و مضمونهای مشترک پایداری در شعر شاملو و درویش کدام است. برای رسیدن به این هدف اشعار شاملو و محمود درویش با روش توصیفی - تحلیلی بررسی شده است. بررسی تطبیقی شعر احمد شاملو و محمود درویش در حوزه شعر پایداری و تبیین عناصر مشترک و تحلیل شیوه‌های ارائه مضمونهای پایداری از نظر محتوایی و زبانی هر یک از این دو شاعر برجسته علاوه بر کمک به شناخت دقیق جهان‌بینی و اندیشه‌های هر دو شاعر، در تحلیل شعر پایداری در حوزه ادبیات جهان بسیار مؤثر خواهد بود به شکلی که با تحقیقات گسترده در حوزه ادبیات پایداری ملت‌ها می‌توان به عناصر مشترک شعر پایداری در ادبیات جهان دست یافت. اشعار محمود درویش و احمد شاملو شامل مضمونهای مشترک زیادی در زمینه ادبیات پایداری از قبیل وطن‌دوستی، مقابله با ظلم و ستم، آزادی و غیره است. زندگی دو شاعر بر شعر آنها تأثیر فراوانی گذاشته است و هر دو شاعر به سبب اوضاع استبدادی و خفغان به بیان نمادین گرایش نشان داده‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** شعر پایداری، ادبیات مقاومت، شاملو، محمود درویش، بیان نمادین.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۶/۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۲/۱۹

\*نویسنده مسئول: ahmadzadeh1975@yahoo.com

\*\* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.

## مقدمه

ادبیات پایداری، نوعی از ادبیات متعهد و ملتزم است که از سوی مردم و پیشروان فکری جامعه در برابر آنچه حیات معنوی و مادی آنها را تهدید می کند به وجود می آید ( بصیری، ۱۳۸۴: ۸۹) و به مجموعه آثاری اطلاق می شود که از زشتی ها و پلشتی ها، بیداد داخلی یا تجاوزگر بیرونی در حوزه های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی با زبانی ادیبانه سخن می گوید (سنگری، ۱۳۸۱: ۲۷۱). درواقع، ادبیات پایداری بیانگر درد و رنجهایی است که در برده های تاریخی خاص بر ملتها وارد می شود و از مرگ در برابر حیات و از آزادی در برابر اسارت سخن می گوید. ادبیات پایداری تحت تأثیر وضعیتی چون اختناق و استبداد داخلی، نبود آزادیهای فردی و اجتماعی، قانونگریزی و قانون سنتیزی، غصب قدرت و سرزمهین و سرمایه های ملی و فردی و... شکل می گیرد. «جانمایه این آثار با بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی در همه حوزه های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و ایستادگی در برابر جریانهای ضدآزادی است» (رحمان دوست، ۱۳۷۹: ۱۶۶).

ادبیات پایداری سعی می کند تا اهداف خود را با به تصویر کشیدن اوضاع سخت و طاقت فرسایی محقق سازد که انسانها با آن روبرو هستند و چهره دشمن را به تصویر بکشد که در پی نابودی مردم است. ادبیات پایداری در ایجاد بیداری و آگاهی مردم و پاسداشت حریم ارزشها، نقش مهمی ایفا می کند. این نوع ادبیات، پایه های حضور واقعی انسان را فراهم می سازد تا در مقابل آنان که زندگی خود را بر ارزش های ثروت اندوزی، طمع کاری و سلطه طلبی استوار می سازند، مقابله کند. ادبیات مقاومت از درد و مظلومیت مردمی سخن می گوید که از استبداد و ظلم رنج می برند و به مفاهیمی چون آینده و امید پیروزی و دعوت به مبارزه و پایداری در برابر ظلم و ستودن آزادگی و در راه آزادگی و آزادی جان دادن و توجه به وطن و جان دادن در راه آن می پردازد.

توجه به مصداقهای انسانی به عنوان جهان بینی و مکتب اجتماعی، حاصل عصر جدید است؛ به این دلیل اگرچه در ادبیات کهن و کلاسیک برعی از ملتها، تعدادی از آثار ادبی با موضوع مقاومت و مصداقهای آن شکل گرفته است، «مقاومت و پایداری به لحاظ هنری در ردیف معنای دهگانه شعر، نظیر مدح، هجا، مرثیه، غزل

## بررسی تطبیقی جلوه‌های پایداری در اشعار شاملو و درویش

و ... که قدمای در شعر مطرح می‌کردند، وجود نداشته است (شمیسا، ۱۳۷۶: ۳۶).

این مقاله به بررسی تطبیقی جلوه‌های پایداری در شعر احمد شاملو و محمود درویش و تبیین عناصر مشترک و تحلیل شیوه‌های ارائه مضمونهای پایداری اختصاص دارد. در ایران دوره مشروطه پس از آشنایی مردم با حقوق اجتماعی، عدالت و آزادی، شعر پایداری در شعر شاعرانی چون ادیب‌الممالک فراهانی، بهار، ایرج میرزا، دهخدا، عشقی، عارف قزوینی، فرخی یزدی و چند تن دیگر پدید آمد. در دوره پهلوی از دست رفتن آزادیهای اجتماعی و فردی و نیز تسلط برخی از کشورهای بیگانه بر امور رسمی ایران، موجب ظهور جنبش‌ها و قیامهای متعددی علیه رژیم پهلوی شد که در این میان ادبیات پایداری و بویژه شعر پایداری با حضور شاعرانی چون کسرایی، ابتهاج، شفیعی کدکنی، اخوان ثالث و شاملو در سطوح مختلف ملی و مذهبی گسترش یافت.

◆ ◆ ◆

۱۱ دو فصلنامه مطالعات نظریه‌پژوهی فارسی – عربی سال ۲، شماره ۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

شاملو اشعار متعددی را درباره حوادث تاریخی زمان خود سروده که به موضوع آزادی و مبارزه با استبداد و ظلم مربوط می‌شود و با زبانی صریح به دفاع از آنها پرداخته است. زمینه اصلی شعرهای او را عواطف ناشی از تأثیرات اجتماعی رقم می‌زند. شعر او سرگذشت مهر و کین، یأس و امید، عشق و نفرت، غم و شادی، درد و دریغ و حمله و گریز است؛ اما محور اصلی تمام این عواطف اجتماع است و مردمش. کمتر شعری از وی می‌خوانیم که اثری از دردهای مردم و فضای مسلط بر جامعه را در آن نبینیم (پورنامداریان، ۱۳۷۴: ۸۳).

از سوی دیگر در قرن بیستم با اشغال کشور فلسطین طی چندین سال، همزمان با مقاومت مردم فلسطین در برابر اشغال بیگانه، شاعران نیز با سلاح قلم خود به مقابله با ظلم و تجاوز و دفاع از هویت ملی خود برخاستند. به این دلیل شعر پایداری با موضوعاتی چون ستایش آزادی و عدالت، دفاع از وطن، مبارزه با ظلم و تجاوز و امید به پیروزی شکل گرفت. محمود درویش یکی از شاعران فلسطینی است که شعر خود را بسان ابزاری هنری برای مقابله با تجاوز بیگانگان و مبارزه با ظلم به کار گرفته است. درویش ده سال اجازه ترک حیفا را نداشته و سه سال زندانی بوده است.

### ضرورت، اهمیت و هدف

شعر پایداری در سیر تاریخی بسیاری از ملتها نمود خاصی دارد. طبیعی است که تهاجم

و ظلم از سوی یک طرف، مقاومت و دفاع طرف دیگر را در پی خواهد داشت. مقاومت، اقدامی آگاهانه و آزادیخواهانه در برابر عملی ظالمانه است که بسیاری از انسانها برای حفظ شرف انسانی و هویت ملی و میهنی بدان روی می‌آورند. ادبیات نیز هنر نمایش‌دهنده و ارائه‌کننده زندگی انسانها است و دردها، رنجها و شادیها و تمامی عواطف آنها را مثل هر دیگری در خود نشان می‌دهد. تعهد اجتماعی، شاعر را به اعتراض وا می‌دارد و اعتراض زمانی که با بینش و اصالت همراه باشد به بیداری منجر می‌شود. از دیدگاهی دیگر، بیداری، آگاهی و شعور اجتماعی شاعر باعث اعتراض او می‌شود که این اعتراض در زمینه تعهد اجتماعی قابل بررسی است. بررسی و تطبیق جلوه‌های پایداری در شعر درویش و شاملو اهمیت زیادی دارد. با بررسی و مقابله اشعار دو شاعر با روش تطبیقی مکتب امریکایی می‌توان به تشابهات مضمونی شعر آنان پی‌برد و چگونگی برخورد شاعر با مسائل سیاسی و اجتماعی را تبیین کرد که درنهایت مقابله و تطبیق به شناخت دقیق جهان‌بینی و اندیشه‌های هر دو شاعر در تحلیل شعر پایداری منجر می‌شود.

### پرسش‌های پژوهش

۱. مضمونها و عناصر مشترک شعر پایداری در اشعار شاملو و درویش چیست؟
۲. مصداقهای ادبیات مقاومت و پایداری در شعر درویش و شاملو کدام است و شاعر چگونه با آنها برخورد کرده است؟

### پیشینهٔ پژوهش

اگرچه برخی تفاوتها در مورد مقاومت و پایداری از نظر مصداقها و شمول مفاهیم قائل شده‌اند، مقاومت به عنوان واژه‌ای عربی و پایداری به عنوان واژه‌ای فارسی عوامل معنایی یکسانی دارد. از این نظر از هر دو واژه در ادبیات فارسی استفاده می‌شود. غسان کنفانی برای اولین بار در مجموعه‌ای با نام «ادبیات مقاومت فلسطین» از این عنوان استفاده کرد و از آن پس این اصطلاح بین شاعران و نویسنندگان و محققان عرب شکل گرفت (محمدی روزبهانی، ۱۳۸۹: ۲۶).

## بررسی تطبیقی جلوه‌های پایداری در اشعار شاملو و درویش

بنمایه‌های پایداری به صورت مستقل در شعر اغلب شاعران بررسی شده اما تاکنون پژوهشی دقیق و تطبیقی در باب مقایسه و تطبیق جلوه‌های پایداری و مقاومت در شعر شاملو و محمود درویش و تبیین تشابهات انجام نشده است. در مقاله «بنمایه‌های ادبیات پایداری در شعر محمود درویش» از محمد رضا نجاریان که در نشریه ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان منتشر شده، نویسنده جلوه‌های مقاومت از قبیل هویت ملی، تحریک غیرت ملی، تهدید دشمن، نصیحت دشمن و ... را در اشعار محمود درویش بررسی کرده است. هم‌چنین پژوهشی در قالب پایان‌نامه در دانشگاه شیراز تحت عنوان «جلوه‌های پایداری در شعر محمود درویش و قیصر امین‌پور» به صورت تطبیقی انجام شده است (دربان، ۱۳۹۲).

۱۳



دو

فصلنامه

مشترک احمد شاملو و محمود درویش استخراج، و سپس با تطبیق و مقابله شعر دو شاعر به تحلیل و تبیین و نقد پرداخته شده است. با عنایت به این نکته که دو شعر مورد تطبیق ارتباط تاریخی ندارد و به دو زبان متفاوت سروده شده است برای این پژوهش از مکتب امریکایی ادبیات تطبیقی استفاده شد؛ زیرا برای تطبیق در مکتب امریکایی ارتباط تاریخی شرط نیست (ولک، ۱۳۷۳: ۱۴۲).

## روش پژوهش و چارچوب نظری

نمایه

فارسی

– عربی

سال

۱۳۹۶

شماره

۴

پاییز

و زمستان

۱۳۹۶

## بررسی تطبیقی

بررسی تطبیقی شعر احمد شاملو و محمود درویش در حوزه شعر پایداری و تبیین عناصر مشترک و تحلیل شیوه‌های ارائه مضامین پایداری هر یک از این دو شاعر بر جسته علاوه بر کمک به شناخت دقیق جهان‌بینی و اندیشه‌های هر دو شاعر در تحلیل شعر پایداری در حوزه ادبیات جهان بسیار مؤثر خواهد بود به طوری که با تحقیقات گسترده در حوزه ادبیات پایداری ملت‌ها می‌توان به عناصر مشترک شعر پایداری در ادبیات جهان دست یافت. شاملو و درویش مفاهیم پایداری و مقاومت را با انگیزه‌ای اجتماعی در اشعار خود ارائه کرده‌اند. هر دو شاعر با فعالیتهای اجتماعی و سیاسی خود

در کنار مردم به پایداری پرداختند و زندانی شدند و زیر فشارهای استبداد قرار گرفتند؛ اما از مبارزه و پایداری دست نکشیدند و به آینده و پیروزی امید داشتند. عناصر مشترک شعر پایداری در اشعار شاملو و درویش را می‌توان حول محور عناوین زیر تقسیم نمود:

## ۱. وطن

هم شاملو و هم درویش برای خود در برابر وطن، که در زیر بار هجوم دشمن است، وظیفه و رسالتی قائل شده‌اند. عشق به وطن یکی از اصلی‌ترین مضمونهای اشعار پایداری هر دو شاعر است. شاملو معتقد است که ایران جایی است که چراغش در آن خانه می‌سوزد، نانش در آن سفره است. در اینجا به زبان فارسی سلام می‌گویند و جوابشان بن‌ژور و گودمرنینگ نیست (دیانوش، ۱۳۸۵: ۲۸۰). شاملو در غالب اشعار خود از یادکرد وطن غافل نیست:

◆ دو

بگذار / بر زمین خود بایstem / بر خاکی از بُراوه الماس و رعشه درد. / بگذار سرزمینم را / زیر پای خود احساس کنم / و صدای رویش خود را بشنوم: / رُپ رُپه طبلهای خون را / در چیتگر / و نعره ببرهای عاشق را/ در دیلمان (شاملو، ۱۳۸۹: ۸۱۰).

شاملو از سر درد و احساس، تأثیر خود را نسبت به ویرانی با واژگان «زمین» و «خاکی از بُراوه الماس و رعشه درد» بیان می‌کند و با کاربرد عامدانه واژگان «چیتگر» و «دیلمان» در پی آن است که هیچ گوشه‌ای از وطن برای او تفاوتی ندارد. از نظر شاملو وطن جایی است که در آن صدای رویش گیاه نشان از سرزندگی و حیات است و «امید به رویش» را بیان می‌دارد و «رُپ رُپه طبل خون» نشانی از ایستادگی و آزادی است. «نعره ببرها» هم چنین نماد شیرمردانی از جنس اعتراض و ظلم‌ستیزی است. شاملو هنوز بر این باور است که مبارزانی امید به بهبود اوضاع دارند.

در حالی که اشعار محمود درویش مالامال از زندگی پر دردسر فلسطینی‌ها حکایت دارد، او ظلم رژیم صهیونیستی را در فضایی بسیار عاطفی تصویرسازی، و اوضاع نامطلوب جامعه را در قالب شعر بازسازی می‌کند:

بلاد علی أَهْبَةِ الْفَجْرِ. صرنا أَقْلَ ذَكَاءً / لَا نُحَمِّلُقُ فِي سَاعَةِ النَّصْرِ: / لَا يَلِيلَ فِي لِيلِنَا  
الْمُتَلَائِي بِالْمَدْفَعَيَّةِ. أَعْدَاؤُنَا يَسْهُرُونَ وَأَعْدَاؤُنَا يُشْعِلُونَ لَنَا النُّورَ / فِي حَلْكَةِ الْأَقْبَيَّةِ (محمد  
درویش، ۱: ۱۷۸). در آستانه سپیده دم صبح سرزینی است، کم نور گشته‌ایم؛ زیرا هنگام  
پیروزی بهم خبره می‌شویم: در شب ما که با توپ، روشن گشته، شبی وجود ندارد؛  
دشمنان ما بیدارند و برای ما در سیاهی جامه‌هایشان، آتش روشن می‌کنند.

محمد درویش حتی هنگام شادی نیز از ظلم تصویرسازی می‌کند به بیان حقایق  
پشت پرده این ناعدالتی می‌پردازد و قصیده را رشته‌ای از جنس نور می‌خواند که این  
رشته‌ها در گیتار به اوج خود می‌رسد.

الْمَشِى فَوْقَ الْعَمَامِ / دَمٌ فِي النَّهَارِ / دَمٌ فِي الظَّلَامِ / دَمٌ فِي الْكَلَامِ / يَقُولُ: الْقَصِيدَةُ قَدْ  
١٥ تَسْتَضِيفُ الْخَسَارَةَ / خَيْطًا مِنَ الضَّوْءِ يَلْمِعُ فِي قَلْبِ جِيتَارَةِ (درویش، ۲۰۰۹: ۳۴۵). راه رفتن  
◆ ◆ ◆  
روی ابر، خونی در روشنی است، خونی در تاریک. خونی در سخن، می‌گوید: قصیده  
دو فصلنامه مطالعات نظریه‌پژوهی فارسی – عربی سال ۲، شماره ۴، پاییز و زمستان  
میزبان خسارت است، این قصیده به شکل رشته‌ای از جنس نور است که در گیتار  
می‌درخشد و پذیرا و میزبان خسارت است.

از سوی دیگر، عشق به وطن بخش عمداتی از ضمیر و اندیشه محمد درویش را  
به خود اختصاص داده و به شکل گسترده در اشعارش نمود یافته است. اولین شعر  
درویش که در سن ۲۳ سالگی سروده شده با نام «بطاقة هویه» (کارت شناسایی) یکی از  
اشعار ملی گرایانه او است. در این شعر فعل امری «سجل» به شکل ترجیعی خطاب به  
یک منشی اسرائیلی تکرار می‌شود. این شعر، که طنز ویژه‌ای دارد (سلیمان، ۱۳۷۶: ۲۱۵)  
هویت فلسطینی را مطرح می‌کند که در آن زمان تنها در چند رقم و عدد خلاصه  
می‌شد: «سجل / أنا عربی» و رقم بطاقی خمسون الف / و اطفال ثمانیه / و تاسعهم سیائی  
بعد صیف / فهل تغضب؟»

شعر «خاطرات زخم فلسطن» (یومیات جرح فلسطینی) نیز از این نوع اشعار  
درویش است، او در این شعر می‌گوید که وطنش چمدان سفری نیست و او نیز  
مسافری رهگذر نیست. هم‌چنین درویش در شعر «احبک او لا احبک» وطن را به شکل  
عشق ماندگار خود جلوه‌گر می‌کند. در واقع سر شعر محمود درویش بیوند میان عشق

و وطن است (حمود، ۱۹۹۶: ۳۴۲). تصویر وطن در ذهن درویش تصویر معشوقی است که هرگز از یادش نمی‌رود. بخش عمده‌ای از فکر و احساس او را عشق به وطن شامل می‌شود. در اصل، درویش هویت خود را در وجود معشوق یعنی وطن می‌یابد: «وطنی لیس حقبه / و أنا لیس مسافر / إنني العاشق والأرض حببيه» (درویش، ۱۹۸۹: ۳۴۷) هذا هو العرس الذى لا ينتهى / في ساقه لا تنتهى / هذا هو العرس الفلسطينى \ إلا شهيداً أو شريداً (درویش: ۱۹۸۴، ۸۱-۸۳): این همان عروسی است که تمام نمی‌شود. در میدانی که انتها ندارد. در شبی که تمام نمی‌شود. این همان عروس فلسطینی است. دوست به دوست نمی‌رسد جز شهید و آواره.

محمود درویش در لابه‌لای اشعارش فلسطین را معشوقه‌ای می‌داند که صهیونیسم آن را بهزور غصب کرده است و گاه دوری از وطن را به کرکسی تشبیه می‌کند که رمز عظمت فلسطین است و خشم را در چشم فرزندان پیرامونش خاموش می‌کند: أيتها النسر الذى يرسف فى الأغلال / من دون سبب / لم يزل منقارك الأحمر فى عيني / سيفا من لهب. محمود درویش شاعری با عواطف سرشار است و این عاطفه با وطنش فلسطین بدون هیچ شکی در ارتباط است. او شاعر «جرح لا یساوم» و شاعری دراماتیک است.

## ۲. مبارزه با ظلم و ستم

تجربه اشیای فیزیکی بنیان مجاز را فراهم می‌سازد. مفاهیم مجازی بهدلیل وجود فیزیکی و چیزی شکل می‌گیرد که شکل استعاری به مثابه وجود فیزیکی در آن مفهوم‌سازی شده است. در این میان ما معمولاً تجربه‌های انتزاعی مانند احساس ظلم و ستم را با تجربه‌های جسمانی و طرحواره‌های ملموس مفهوم سازی می‌کنیم (ر.ک: لیکاف، ۱۳۹۵: ۱۰۷) و نگاشتی تازه از موضوع و تجربه با وضوح کمتر از طریق تجربه‌های قبلی و بیشتر تجربه فیزیکی بیان می‌کنیم (بارسلونا، ۱۳۹۰: ۴۶).

شاملو و درویش هر دو به عنوان شاعر، ضمیر قدرتمند جامعه خود هستند و هر احساس اجتماعی را به شکلی گستردۀ در شعر خود نشان می‌دهند. اینجا است که هر دو از ظلم و ستم به مردم می‌رنجدند و شعر خود را بسان فریاد مظلومیت انسانها به کار می-

## بررسی تطبیقی جلوه‌های پایداری در اشعار شاملو و درویش

گیرند و با استفاده از مضامینی چون ظلم و ستم و درد و رنج انسانی به مبارزه با ظلم و پایداری در برابر ظالمان می‌پردازنند و مردم را به ظلم‌ستیزی دعوت می‌کنند. شاملو در این شعر با به کاربردن عبارتی چون: «از برج تاریک اشعار شبانه بیرون آمدن» و «در کوچه‌های پر نفس قیام فریادزدن» مردم را به قیام علیه ظلم فرا می‌خواند:

استادان خشم من ای استادان دردکشیده خشم! / من از برج تاریک اشعار شبانه بیرون می‌آیم / و در کوچه‌های پر نفس قیام / فریاد می‌زنم. / من بوسه رنگهای نهان را از دهانی دیگر / بر لبان احساس خداوندگاران درد خویش / جای می‌دهم (شاملو، ۱۳۸۹: ۲۴۹).

تعییرهای «خشم»، «برج تاریک»، «اشعار شبانه»، «کوچه پرنفس»، «خداوندگاران درد» هم درواقع تداعیگر و تصویرگر همین احساس خشم از ظلم و ستم جامعه است.

۱۷

❖

تجسم ظلم به مردم را در تصاویری همچون این تصویر می‌توان مشاهده کرد:

❖

وقتی که شعله ظلم / غنچه لبهای تو را سوخت / چشمان سرد من / درهای کور و فروبسته شبستان عتیق درد بود. / باید می‌گذاشتند خاکستر فریادمان را بر همه‌جا بپاشیم / باید می‌گذاشتند غنچه قلبمان را بر شاخه‌های انگشت عشقی بزرگ‌تر بشکوفانیم / باید می‌گذاشتند سرماهای اندوه من آتش سوزان لبان تو را فرونشاند / تا چشمان شعله‌وار تو قنديل خاموش شبستان مرا برافروزد... / اما ظلم مشتعل / غنچه لبانت را سوزاند / و چشمان سرد من / درهای کور و فروبسته شبستان عتیق درد ماند... (همان).

❖

ظلم چون شعله‌ای است که همه چیز را به کام خود فرومی‌کشد. این تصویر کلی ظلم و ستم است. تصویری برساخته از زبان درد، نگاشتی تازه از ظلم که با تصویر آتش و سوختن برای مخاطب ملموس‌تر شده است. تداعی واژگان و ترکیباتی همچون «سوختن»، «چشمان سرد»، «پاشیدن خاکستر فریاد»، «سرماهای اندوه»، فرونشاندن آتش سوزان لبان» و «چشمان شعله‌ور» در حول محور همین تصویر و مفهوم ذهنی است. حتی شاملو در «شعر شبانه» از دفتر «ابراهیم در آتش» حاضر است با خون خود خلا میان انسانها را پرکند تا ظلم‌ستیزی ادامه یابد:

❖

«مردی چنگ در آسمان افکند/ هنگامی که خونش فریاد و / دهانش بسته بود / خنجی خونین / بر چهره ناباور آبی! / عاشقان / چنینند» (همان: ۶۸۶).

❖

۱۳۹۶  
پاییز و زمستان  
شماره ۴، سال ۲، شناسنامه

درویش نیز صدای نهضت فلسطین در برابر ظلم و ستم است. اشعار درویش درواقع آیینه تمام عیار ایستادگی و مقاومت در برابر ظالمان است. او برای این موضوع حتی تلمیحی به داستان هابیل دارد:

«هل كان أوّل قاتل - قابيل - يعرف أن نوم أخيه موت؟» (درویش، ۲۰۰۰: ۵۲۹)  
او از این موضوع (داستان هابیل) استفاده می‌کند و خشم و کینه خود را از ظلم و کشتار بیرحمانه انسانهای بیگناه نشان می‌دهد:

على صورتى خنجرى / و على خنجرى صورتى، كَلَمًا / بعدنا عن النهر مرَّ  
المغولى، يا صاحبى، بيتنا/ كأنَّ القصائد غيم و الأساطير، لا الشرق شرق / ولا الغرب  
غرب، توَحَّداً أخواتنا فى غريزة قابيل / لا تعاتب أخاك، فأنَّ البنفسج شاهدة القبر  
(همان: ۵۸۴).

همچنین درویش راه خلاص شدن از زندان ظالمان بزرگ اسرائیلی را از پیامبر ص سؤال می‌کند، چرا که پیامبر اکرم (ص) عمر پربرکت خود را صرف مبارزه با ظلم کرد:  
الو ... / أريد محمد العرب / نعم من أنت / سجين فی بلادی / بلا أرض / بلا  
علم / بلا بیت / رموا أهلى ألى المنفى / و جاؤوا يشترون النار من صوتی / لأنَّ  
من ظلام السجن... / ما أفعل؟ / تحدَّ السجن و السجان / فإنَّ حلاوة الأيمان / تذيب  
مرارة الحنظل (درویش، ۱۹۸۹-۱۵۷).

درویش در شعر زیر فلسطینیان را به اتحاد و قیام برای مبارزه دعوت می‌کند:  
ايها اللحم الفلسطينى يا موسوعة البارود منذ المنجنيق / ال الصواريخ التي صنعت  
لأجلك فى بلاد الغرب، يا لحم الفلسطينى فى دول القبائل و الدویلات التي اختلفت  
على ثمن الشمندر و البطاطا / و امتياز الغاز / و اتحدت على طرد الفلسطينى من دمه /  
تجتمع ايها اللحم الفلسطينى فى واحد / تجمَّع و أجمع الساعد / لتكثب سورة العائد  
(درویش، ۲۰۰۰: ب: ۱۴۳): اى گوشت فلسطینی، ای دایرة المعارف باروت از زمان  
سنگ‌انداز تا زمان موشكهایی که به خاطر تو در غرب ساخته شده‌اند و ای گوشت  
فلسطینی در کشورهای قبیله و کشورهایی که بر سر قیمت چغandler قند، سیب زمینی  
و امتیاز گاز اختلاف دارند و بر سر بیرون راندن فلسطینی‌ها از خون خویش متحد  
می‌شوند. ای گوشت فلسطینیان در پیکر جمع شوید و بازوی خود را جمع کنید تا  
سوره بازگشت را بنویسید.

### ۳. آزادی

شاملو و درویش هر دو از حق آزادی ملت‌ها سخن می‌گویند و برای تک تک انسانها خواستار آزادی هستند. آزادی و امید به آزادی یکی از مضونهای اصلی ادبیات پایداری است. زمانی که آزادی انسانها به دست برخی از بین می‌رود، نیاز به پایداری و مقاومت در برابر ظالمان احساس می‌شود. شمار فراوانی از سرودهای شاملو براساس تأثیر مستقیم رخدادهای سیاسی و اجتماعی و به منظور افشاکردن استبداد و خفغان سروده شده است. از این میان، تعداد درخوری از آنها با نام و نشان معتبرضان اجتماعی و یا خاطره جان‌باختگان سیاسی همراه است.

خفغان دوران پهلوی، ظلم و شکنجه و زندانی شدن بخشی از مضونهای اشعار شاملو

در حوزه شعر پایداری را تشکیل می‌دهد. شاملو از دید سیاسی پیرو نظامی مردم‌سالار و ◇  
وارسته از استبداد است؛ از دید اجتماعی خواهان جامعه انسانی بسامان و آبرومند، آزاد و  
پیشرفت و رسته از ستمگری و نابرابری و تهی‌دستی است و از نظر فرهنگی آرزومند  
فرهنگ و تفکر و بینش همگانی پویا و شکوفا و تهی از تنگ‌اندیشی، انحصار طلبی و  
ارتجاع و ایستایی است.

شعرهای هشداردهنده این‌چنانی در «هوای تازه» پیش‌درآمدی است بر سرودهای دیگری که از حسرت «آزادی» و خاموشی «سرود آزادی» دم می‌زنند؛ از «دیوارها»ی «فروریخته» و «غیاب انسانی» می‌نالد و از «غیاب بزرگ»ی که همانا ناپیدایی انسان آزاد و وارسته و آزاده‌منش در زیستگاه استبداد زده است. «ترانه بزرگترین آرزو»ی شاملو (دشنۀ در دیس، دی‌ماه ۱۳۵۵) نمونه گویایی از اشعار پایداری او است.

شاملو با شعر زیبای «نگاه کن» در سوگ فروختن آزادی در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ می‌نشیند و با سرودن شعر «با چشم‌ها»، بر انقلاب سفید می‌تازد و با «مرگ نازلی» قطره اشکی بر فرار مبارزان راه آزادی می‌افکند و در شعری دیگر این‌گونه عشق خود را به آزادی بیان می‌دارد:

آه اگر آزادی سروdi می‌خواند

کوچک

همچون گلوگاه پرنده‌ای

هیچ کجا دیواری فرو ریخته برجای نمی‌ماند  
آه اگر آزادی سرودی می‌خواند  
کوچک  
کوچکتر حتی  
از گلوگاه یک پرنده!

(شاملو، ۱۳۸۹: ۸۴۴)

مخاطب از طریق زبان شعر شاملو و با نگاهی به استعاره‌های کلان شعر او براحتی این نکته را درمی‌یابد که سرود آزادی رونق‌بخش هر دیوار فرو ریخته خواهد بود. «گلوگاه پرنده» نشانی از خفقان جامعه است و سرودخوانی پرنده‌ای کوچک درواقع بارقه امیدی در کورسوی راه آزادی است. پرنده کوچک نماد آزاده‌ای امیدوار است که در کنار دیوار فرو ریخته، یعنی سرزمین ویران، هنوز از مبارزه برای آزادی دست برنداشته است. «گلوگاه» نماد از هر وسیله تبلیغی است که می‌تواند چون شعر شاملو بیانگر آزادی و مبارزه باشد. «قلم»، «فرياد»، «گره‌کردن مشت»، همه و همه نمودی تازه از مبارزه و نمودی تازه از زبان است. زبان همیشه گفتار و بیان مستقیم نیست، بلکه به‌گونه‌های مختلف و با هر وسیله‌ای بسته به فرهنگ جامعه می‌توان زبان مبارزه را عرض کرد.

او حساسیت و نگرانی خود را از نبود آزادی در جامعه در شعر «از مرگ» از دفتر «آیدا در آینه» این‌گونه ابراز می‌کند:

هراس من - باری - همه از مردن در سرزمینی است  
که مزد گورکن  
از بهای آزادی آدمی

(افزون باشد (همان: ۶۳۲)

تضاد مفهومی و زبانی «مزد گورکن» و «بهای آزادی» بر بحث آشنایی‌زدایی و حسن تعلیل شعر افزوده است. هراس از مردن در هر انسانی خواهناخواه وجود دارد. شاید بهترین مصدق مصلحت‌ستیزی سیاسی شاملو را در سروده هجوآمیز «نبوغ» (در باغ آینه) بتوان یافت.

## بررسی تطبیقی جلوه‌های پایداری در اشعار شاملو و درویش

در آیینه این شعر می‌بینیم که شاه پروس، «سلطان فرهدیک»، با پیشکش کردن زن خود (لوئیز) به مستبدی چون ناپلئون و با چشم‌پوشیدن از ناموس و شرافت و آبرو و حیثیت، نومیدانه و مذبوحانه در تلاش است تا برای چند صباحی هم که شده است، فروپاشی سلطنت و سروری خود را به تأخیر بیندازد. شاملو با به تصویر کشیدن این صحنه مضحك و مفتخض بر آن است تا چیزی از بنیاد پوچ و پوشالی سیاستهای مصلحت‌جویانه و کنش و منش بس فرومایه و شرم‌آور مستبدان را بازنمایاند.

برای میهن بی آب و خاک / خلق پروس / به خون کشیده شدند / ز خشم  
ناپلئون... / آن‌گه فرهدیک وطن دوست / آراست چون عروس / در جامه زفاف /  
زنش را / تا بازیس ستاند ازین رهگذر / مگر / وطنش را... / هنگام شب... / خاموش  
شد به حجله سلطان فرهدیک / شمعی و شهوتی / و آن‌دم که آفتاب درخشید /  
برگورهای گم‌شده راه و / نیم راه... / خاک پروس را / شه فاتح / گشاده دست /  
بخشید همچو پیره‌نی کهنه مرده‌دیگ / به سلطان فرهدیک، / زیرا که مام میهن خلق  
پروس بود / سرخیل خوشگلان اروپای عصر خویش! (همان: ۴۲۱ - ۴۲۳)

۲۱

❖

دو

این شعرها در کل ترجمان پیامدهای نظامی سرکوبگر و غیرانسانی وجود فراگیر  
بی‌عدالتی و تهیdestی و خوارزیستی است. بیشترین بخش از جغرافیای شعر متعدد و  
پایداری شاملو به این موارد اختصاص دارد؛ از آن جمله است: «شعری که زندگی  
است»، «لعت» و «بودن» (در هوای تازه)، «نامه» (۱۳۳۳، در شکften در مه)، «بر سنگفرش»  
و «کیفر» (در باغ آینه)، «عقوبت» (در شکften در مه)، «چلچلی» (دی‌ماه ۱۳۴۴، در ققنوس  
در باران)، «ترانه بزرگ‌ترین آرزو» و «از منظر».

محمود درویش نیز در قصيدة «اغلقوا المشهد» از زندانی شدن خود سخن می‌گوید:

«القاضى! و هذا شأنى الشخصى - إنَّ / ضاقت بي الرِّزانة أمتدت بي الأرض /

ولكن رعيايك يجسون كلامي غاضبين و يصيرون» (درویش، ۲۰۰۰: ۶۵۳):

ای قاضی! این مقام فردی مانند من است. قطعاً زندان من تنگ و باریک است در  
حالی که میهن من گسترده است. مأموران تو از شنیدن کلام من خشمگین می‌شوند  
و فریاد می‌کشنند.

هم‌چنین در شعر «برقیه من السجن» از زنجیرهایی که بر دستش بسته شده است ناله

می‌کند:

#### ۴. نمادپردازی

نمادها از وسعت معنایی برخوردار است و بر همین اساس مفاهیم و مصادقهای متعددی را شامل می‌شود. یونگ در باب نماد می‌گوید:

یک کلمه یا یک نمایه هنگامی نمادین می‌شود که چیزی بیش از مفهوم آشکار و بدون واسطه خود داشته باشد؛ این کلمه یا نمایه جنبهٔ ناخودآگاه گستره‌تری دارد که هرگز نه می‌تواند به گونه‌ای دقیق مشخص شود و نه به‌طور کامل توضیح داده شود و هیچ کس هم امیدی به این کار ندارد (یونگ، ۱۳۸۱: ۱۶).

براساس وسعت معنایی نماد تعاریف متعددی نیز برای آن ارائه شده است؛ به عنوان نمونه:

نماد گونه‌ای از استعاره است با این فرق که در استعاره تنها یک مشبهٔ استعاره‌ه- وجود دارد و با حذف مشبه‌به- مستعارمنه- به عنوان استعاره باقی می‌ماند؛ حال اینکه در نماد بیش از یک مشبه و گاه مشبه‌های متعدد در میان است که با حذف آنها نماد پدید می‌آید. بنابراین در نماد از توان معنایی و مفهومی لفظ بسی بیش از استعاره بهره‌گیری می‌شود (حمیدیان، ۱۳۸۱: ۱۴۲).

آنچه این نوع ادبیات را به استفاده از نماد ناگزیر کرده است، نه فقط حاکمیت فضای اختناق، تهدید و ارعاب که زیبایی، ایجاز و قدرت در رساندن مراد و مقصدود بوده است.

شاملو جزء شاعران نمادپرداز شعر معاصر فارسی است و برخی از اجزا و عناصر

«فی الحلم، ينضم الخيال اليك / تبتعدين عنى / و تخاصمين الارض / تشنعلين كالشفق المغنى / و يدائى في الاغلال» (همان: ۱۳۰).

یا در شعر «جداریه» به شکنجه‌شدنش توسط پژوهش فرانسوی زندان اشاره می‌کند: «رأيت طبيبي الفرنسي / يفتح زنزانتي / و يضربني بالعصا / يعاونه إثنان من شرطه الصاحيه» (همان: ۷۱۷).

هنر درویش در استخدام و به کارگیری واژه‌های مختلف زبانی و تلفیق آنها در دو محور جانشینی و همنشینی، تناسب دلپذیری را در معنا و لفظ خلق کرده است؛ چنانکه می‌گوید: «وانتمائی إلى خُضرة الموت حق».

## بررسی تطبیقی جلوه‌های پایداری در اشعار شاملو و درویش

تشکیل دهنده شعرش مفاهیم نمادین دارد و به مسائلی و مفاهیمی فراتر از معانی ظاهری واژگان دلالت می‌کند. در واقع شاملو به عنوان یکی از نمادپردازان سیاسی و اجتماعی شعر فارسی سعی می‌کند علاوه بر ایجاد تحول در نمادهای کلاسیک شعر فارسی از نمادهای جدید نیز در شعر خود بهره ببرد تا از این طریق، علاوه بر گسترش عمق و عرصه معنا در شعر خود با کمک ابهام هنری، جوهر ادبی شعرش را نیز افزون کند.

در اشعار شاملو نوعی روح تعهد و التزام به مسائل سیاسی و اجتماعی به چشم می‌خورد که در واقع بنمایه اصلی آثار است. اختلاف دیدگاه شاملو با شعرای سنتی و نگرش جدید او به دنیای برون یکی از عمدترین دلایل تحول معنایی نمادهای

۲۳

❖

ادبیات کلاسیک در شعر است. نگاه جدید شاملو به نمادهای شعر سنتی حاکی از تحول اندیشه و نگاه سیاسی - اجتماعی او به دنیای اطراف خویش است. شاملو شاعری است که تمایل فراوانی به حضور در بین مردم و پرداختن به دردها و آمال آنان دارد. از این رو در تلاش است تا اوضاع جامعه خود را ترسیم کند؛ اما بنا بر اوضاع سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه نمی‌تواند به صورت مستقیم و آشکار به ذکر رخدادهای جامعه بپردازد؛ بنابراین ابزار پوشیده سخن گفتن، نماد است.

گرایش شاملو به بیان نمادین، علاوه بر اوضاع استبدادی و خفغان و نبود آزادی بیان، نتیجه تلاش او برای آفرینش ابهام و در نتیجه غنی‌کردن جوهر ادبی کلام است؛ به همین دلیل خواننده شعر او به منظور رسیدن به زیرساخت معنایی نماد، ناگزیر است که از همه تجربه‌ها و اندوخته‌های ذهنی و تجربی خود مدد بگیرد؛ به عنوان مثال در شعر «خفاش شب»، شاملو شعر را با صفات منفی برای شب آغاز می‌کند و شب را نماد فضای اجتماعی جامعه در نظر می‌گیرد:

هرچند من ندیده ام این کور بی خیال / این گنگ شب که گیج و عبوس است / خود را به روشن سحر / نزدیک تر کند / لیکن شنیده ام که شب تیره -

هرچه هست - / آخر ز تنگه‌های سحر گه گذر کند... (شاملو، ۱۳۸۹: ۱۳۰).

دانشمند اندیشه‌ها و بیان و تلفیق آنها باهم سه چیز متفاوت است. اگر بپذیریم که شعر و بویژه شعر شاملو تحلیل و بررسی انتقادی مسائل اجتماعی، و صورتی از

❖  
دو فصلنامه مطالعات نظری  
نمایه فارسی - عربی سال ۲، شماره ۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

کنش اجتماعی است و از طرفی به دلیل وجهه تاریخی و فرهنگی کار ایدئولوژیکی انجام می‌دهد، باید بدانیم که ایدئولوژیها، بنیادین و جزو مشترکات اجتماعی است که شخصی و ذهنی نیست و در کنار دانش اجتماعی و نگرشها جزو حافظه اجتماعی است. از طریق واکاوی زبان و طرحواره‌ها، که شامل تعدادی از مقوله‌های قراردادی است، می‌توان ایدئولوژی را درک کرد. ممکن است بسیاری از واژگان طرحواره نمادین شد (ر.ک: ون دایک، ۱۳۹۴: ۲۳ - ۲۹).

در شعر «دیوار» شیر نmad مبارز آزادیخواهی است که با وجود خفغان و تهدیدهای پی‌درپی ظالمان و دژخیمان هراسی به دل راه نمی‌دهد و رعب و وحشتی که رژیم پهلوی به راه اندخته است، موجب نمی‌شود که او منكسر و خموش بر جای خود بنشیند و در اوج ظلمت و تاریکی جامعه خویش به دنبال طلوع صبح روشن آزادی و رهایی است.

یک شیر / مطمئناً / خوف است دام را! / هرگز نمی‌نشیند او منكسر به جای /  
مطروح راه و در / مطروح وقت کر / چشمش میان ظلمت جویای روشنی است /  
می‌پرورد به عمق دل، آرام / انتقام! (همان: ۱۶۲)

در شعر زیر، بیان نmad حکومت پهلوی است که خشک و بدون بهره است و منظور از سگ نیز مأموران حکومت پهلوی هستند که در جامعه پر از خفغان و استبداد (بیان) در خواب و فراموشی به سر می‌برند:

بیابان را، سراسر، مه گرفته است / چراغ قریه پنهان است / موجی گرم در خون  
بیابان است... / بیابان را سراسر مه گرفته است [می‌گوید به خود، عابر] / سگان  
قریه خاموشند (همان: ۱۱۴).

در شعر محمود درویش نیز با نمادهای متعددی رو به رو هستیم. او نیز بر اساس فشارهای اشغالگران و استبداد آنها مجبور به استفاده از نmad برای بیان مفاهیم و مضامین متعلق به حوزه شعر پایداری در اشعار خود شده است. در شعر درویش نیز «شب» نmad غربت و ظلم و مگر است:

لیل طویل / برصد الاحلام فی صبرا (مدیح الصل العالی)  
یا «زیتون» نmad اعلام استقلال فلسطین است:

## بررسی تطبیقی جلوه‌های پایداری در اشعار شاملو و درویش

غصن زیتونه بکی، فی المنافی علی حجر، باحثاً عن اصوله (درویش، ۱۹۸۹: ۱۸۳). لیمو نیز در شعر درویش نماد عشق خالصانه است که در فضای تاریک جامعه پنجره‌های اسارت و ظلم را به سوی آزادی می‌گشاید:

من زهره الیمون تولد زهره الیمون ثانیه و تفتح فی الظلام نواخذ الدور القديمه للدمى  
(همان: ۴۲۰)

درویش در شعر خود نمادهایی برای توصیف رژیم غاصب اسرائیل نیز دارد؛ به عنوان مثال «جلاد» در این شعر نماد اسرائیل است:

«إن هذا اللحن لغم في الأساطير التي نعبدها، قال عبدالله: جسمى كلمات، ودوى، هكذا الدنيا، وأنت الآن، يا جlad أقوى ولد الله، و كان الشرطى» (همان: ۲۶۰).

رنگ سفید در این ابیات محمود درویش نماد روشنی پاکی و صلح و صفا است.

◆ ◆ ◆

البحر ابيض والسماء، قصیدتی بیضاء، و التمساح ابيض والهواء و فکرتی بیضاء دهشتنا، بیضاء لیلتنا و خطوطنا و هذا الكون أبيض، أصدقائي، و الملائكة الصغار و صورة الاعداء ابيض، كل شئ صورة بیضاء (درویش: ۲۰۰۰ الف، ۳۷۸ - ۳۷۹):

دریا سفید است و آسمان ، قصیده‌ام سفید است و و تماسح سفید است و هوا و فکر من سفید است و ترس و حیرت ما سفید است. شبها‌یمان سفید است و قدمها‌یمان و این هستی سفید است و دوستانم و ملائک کوچک و صورت دشمنان سفید است. همه چیز دارای صورت سفید رنگ است.

رنگ سبز در شعر محمود درویش بر امید و آرزو دلالت دارد.

### لخضرة أعين الأطفال

نسج ضوء رایتنا (همان: ۵۱): برای سبزی (شادمانی) چشمان کودکان، نور پر چم‌هایمان را افراشتہ نگه می‌داریم.

### نتیجه

ادبیات پایداری سعی می‌کند اهداف خود را با به تصویر کشیدن اوضاع سخت و طاقت‌فرسایی محقق سازد که انسانها با آن به رو به رو هستند و چهره دشمن را به تصویر

بکشد که در پی نابودی انسان است. ادبیات پایداری در ایجاد بیداری و آگاهی مردم و پاسداشت حریم ارزشها، نقش مهمی ایفا می‌کند. با خواندن مجموعه‌های شعر شاملو درمی‌باییم که زمینه اصلی شعرهای او را عواطف ناشی از تأثیرات اجتماعی رقم می‌زند. از سوی دیگر در قرن بیستم با اشغال کشور فلسطین طی چندین سال، همزمان با مقاومت مردم فلسطین در برابر اشغال بیگانه، شاعران نیز با سلاح قلم خود به مقابله با ظلم و تجاوز و دفاع از هویت ملی خود برخاستند. محمود درویش یکی از شاعران فلسطینی که شعر خود را بسان ابزاری هنری برای مقابله با تجاوز بیگانگان و مبارزه با ظلم به کار گرفته است.

شاملو و درویش با انگیزه‌ای اجتماعی، مفاهیم پایداری و مقاومت را در اشعار خود ارائه کرده‌اند. هر دو شاعر با فعالیتهای اجتماعی و سیاسی خود در کنار مردم به پایداری پرداختند و زندانی شدند و تحت فشارهای استبداد قرار گرفتند؛ اما از مبارزه و پایداری دست نکشیدند و به آینده و پیروزی امید داشتند.

- هم شاملو و هم درویش برای خود در برابر وطن که در زیر بار هجوم دشمن است، وظیفه و رسالتی قائل شده‌اند. عشق به وطن یکی از اصلی‌ترین مضونهای اشعار پایداری هر دو شاعر است.

- شاملو و درویش هر دو به عنوان شاعر، ضمیر قدرتمند جامعه خود هستند و هر احساس اجتماعی را به شکلی گستردۀ در شعر خود نشان می‌دهند. اینجا است که هر دو از ظلم و ستم به مردم می‌رنجدند و شعر خود را بسان فریاد مظلومیت انسان‌ا به کار می‌گیرند و با استفاده از مضامینی چون ظلم و ستم و درد و رنج انسانی به مبارزه با ظلم و پایداری در برابر ظالمان می‌پردازند و مردم را به ظلم‌ستیزی دعوت می‌کنند.

- شاملو و درویش هر دو از حق آزادی ملت‌ها سخن می‌گویند و برای تک‌تک انسانها خواستار آزادی هستند. آزادی یکی از مضونهای اصلی ادبیات پایداری است.

- شاملو و درویش جزو شاعران نمادپرداز هستند و برخی از اجزا و عناصر تشکیل‌دهنده شعرشان مفاهیم نمادین دارد و به مسائلی و مفاهیمی فراتر از معانی

## بررسی تطبیقی جلوه‌های پایداری در اشعار شاملو و درویش

ظاهری واژگان دلالت می کند. گرایش شاملو و درویش به بیان نمادین، علاوه بر اوضاع استبدادی و خفغان و نبود آزادی بیان، نتیجه تلاش آنها برای آفرینش ابهام و در نتیجه غنی کردن جوهر ادبی کلام است.

### منابع

بارسلونا، آنتونیو؛ استعاره و مجاز با رویکردی شناختی؛ ترجمه: فرزان سجودی، لیلا صادقی،  
تبیان امراللهی، تهران: نقش جهان، ۱۳۹۰.

پورنامداریان، تقی؛ سفر در مه؛ تأملی در شعر احمد شاملو، تهران: زمستان، ۱۳۷۴.

حمود، محمود؛ **الحداثة في الشعر العربي الحديث**؛ بیروت: دارالعوده، ۱۹۹۶.

حمیدیان، سعید؛ **داستان دگردیسی**؛ تهران: نیلوفر، ۱۳۸۱.

درویش، محمود؛ **دیوان**؛ بیروت: دارالعوده، الطبعة الثالثة عشر، ۱۹۸۹.

درویش، محمود؛ **الأعمال الشرعية الكاملة**؛ بغداد: دار الحرية للطباعة و النشر، الطبعة الثانية،  
۲۰۰۰.

درویش، محمود؛ **دیوان**؛ ج اول، ج دوم، بیروت، دارالعوده، ۲۰۰۰ الف.

درویش، محمود؛ **دیوان**؛ ج دوم، ج دوم، بیروت، دارالعوده، ۲۰۰۰ ب.

دیانوش، ایلیالایی؛ **با شیپور**؛ تهران: مروارید، ج سوم، ۱۳۸۵.

سارتر، ران پل؛ **ادبیات چیست**؛ ترجمه ابوالحسن نجفی، ج ۱، تهران: کتاب زمان، ۱۳۴۸.

سلیمان، خالد؛ **فلسطین و شعر معاصر عرب**؛ ترجمه باقری و دیگران. تهران: نشر چشمه،  
۱۳۷۶.

شاملو، احمد؛ **مجموعه آثار (دفتر یکم: شعرها)**؛ ج نهم، تهران: نگاه، ۱۳۸۹.

شريفی، محمد؛ **فرهنگ ادبیات فارسی**؛ تهران: معین، ۱۳۸۸.

شکری، غالی؛ **ادب المقاومت**؛ بیروت: دارالآفاق الجدیده، ۱۹۷۹.

شمیسا، سیروس؛ **أنواع أدبي**؛ تهران: فردوس، ج پنجم، ۱۳۷۶.

قنبری، حمید؛ **مروی بر کارکردهای جامعه شناسانه ادبیات پایداری**؛ قابل دسترسی در وب  
سایت <http://old.ido.ir/a>. ۱۳۸۹.

کاکایی، عبدالجبار؛ بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان؛ تهران: پالیزان، ۱۳۷۹.

لیکاف، جرج و مارک جانسون؛ استعاره هایی که با آن ها زندگی می کنیم؛ چ دوم، ترجمه هاجر آقالاباهیمی، تهران: نشر علم، ۱۳۹۵.

محمدی روزبهانی، محبوبه؛ قسم به نخل، قسم به زیتون؛ تهران: بینیاد حفظ آثار و نشر ارزش-های دفاع مقدس، ۱۳۸۹.

ون دایک، تئون ای؛ ایدئولوژی و گفتمان؛ ترجمه محسن نوبخت، تهران: سیاهروند، ۱۳۹۴.  
یونگ، کارل گوستاو؛ انسان و سمبل هایش؛ ترجمه محمود سلطانیه. تهران: جامی، ۱۳۸۱.

## مقالات

- بصیری، محمد صادق؛ «طرح و توضیح چند سؤال درباره مبانی ادبیات پایداری»؛ نامه پایداری کرمان: نشر بینیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس، ۱۳۸۴.
- رحماندشت، مجتبی؛ «رمان مقاومت»؛ مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ش ۱۵۶، زمستان ۱۳۷۹.
- سنگری، محمدرضا؛ مجموعه مقالات نخستین گردهمایی پژوهش های زبان و ادب فارسی؛ تدوین محمد دانشگر، تهران، انجمن علمی ادبیات فارسی تربیت مدرس، ۱۳۸۱.  
نجاریان، محمدرضا؛ جلوه های مقاومت در اشعار محمود درویش؛ نشریه ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان، س اول، ش اول، پاییز ۱۳۸۸.